



موسیقی مردمی

موسیقی مردمی را موسیقی شفاهی نیز نامیده‌اند؛ نوعی موسیقی که غالباً در حین اجرا و توسط گوش دادن آموخته می‌شود تا از طریق نت‌گذاری و اصول آکادمیک موسیقی. این موسیقی در دوره‌های مختلف توسط افرادی که هیچ نامی از آنها باقی نمانده، سروده شده است. موسیقی مردمی از آن دسته موسیقی‌هایی است که در بسیاری از اجتماعات بشری (از بدو پیدایش موسیقی تا به امروز) یافت می‌شود. موسیقی مردمی در اشکال و روش‌های گوناگون اجرایی با عناوین متفاوت و تحت شرایط فرهنگی مختلف به اندازه تمامی جهان، گستردگی یافته است. تعریف این تنوع و گستردگی بیشتر تصویری است تا جملاتی که بتوانند در قالب «وصف» دربردارنده ویژگی‌های این موسیقی باشند. موسیقی مردمی توسط عامه مردم نواخته می‌شود و از این رو با فعالیت‌های روزمره همچون آیین‌های مذهبی، کار و تربیت کودکان، درآمیخته است. ریشه موسیقی‌های مردمی، موسیقی جوامع روستایی است و در مقابل این موسیقی، موسیقی نخبگانی است که به موسیقی علمی یا موسیقی هنری گرویده‌اند. اساسی‌ترین تفاوت میان این دو موسیقی در شفاهی بودن یا مکتوب شدن آن است. در موسیقی علمی، اجرای آثار موسیقی توسط خط نت برای همیشه به ثبت رسیده است، اما هنگامی که آوازی عامیانه از آوازخوانی به آوازخوانی دیگر منتقل می‌شود، با گذشت زمان، مشمول تغییرات و دگرگونی‌هایی خواهد بود که آن را به چیز دیگری مبدل می‌کند. دلیل این تغییرات، شفاهی بودن آن است که تحت تأثیر حافظه خطاکار بشر و همچنین دیدگاه‌های متفاوت و زیباشناسانه کسانی قرار گرفته است که آن را فراگرفته و به نسل بعدی انتقال داده‌اند. بنابراین، یک آواز عامیانه به تدریج، تغییر می‌کند و اشکال مختلفی را به خود می‌گیرد. از آنجا که مردم و تاریخ حیات آنان در شکل‌گیری موسیقی مردمی، نقش به سزایی داشته‌اند، این فرایند را «بازآفرینی جمعی» می‌نامند. موسیقی مردمی به‌طور طبیعی، از هنر موسیقی مراکز همجوار خود متأثر می‌شود. این موسیقی، اغلب در خارج از مؤسسات آموزشی، مانند مدارس موسیقی (کنسرواتوار) یا در کلیسا (مانند کشورهای اروپایی) رشد و نمو پیدا کرده است. اما در برهه‌ای از تاریخ موسیقی، دیگر مرز معینی میان این موسیقی با

دیگر موسیقی‌ها وجود ندارد. بسیاری از نغمات موجود در موسیقی کلاسیک و پس از آن در قرن نوزدهم میلادی (موسیقی رمانتیک) از نغمات موسیقی مردمی اقتباس شده است. موسیقی «پاپ» که از فرهنگ‌های روستایی و عامیانه نشأت می‌گیرد، امروزه از پرطرفدارترین برنامه‌هاست. ویژگی بارز موسیقی مردمی، سادگی آن است و نقشی که به عنوان سنتی موسیقایی جهت برپایی آیین‌های مردمی ایفا می‌کند. موسیقی مردمی در هند، چین و خاورمیانه در میان دیگر انواع موسیقی، از وجهه متمایزتری برخوردار است. موسیقی مردمی در هندوستان در مقایسه با اروپا، از حال و هوای خاصی تأثیر پذیرفته است. موسیقی جوامع روستایی در ایران «موسیقی مقامی» نامیده می‌شود و توسط نوازندگانی (به حق) متبحرتر از نوازندگان موسیقی سنتی (ردیف) نواخته می‌شود. موسیقی مردمی نه به معنای موسیقی فرهنگ‌هایی است که صرفاً فاقد طبقه‌بندی‌های موسیقایی است، بلکه به‌طور کلی، موسیقی مردمی به معنای شیوه آموزشی سینه به سینه‌ای است که با تمام سادگی‌های آن در ارتباط با تاریخ یک قوم یا جامعه‌اش قرار گرفته است. □

■. ا. نفیسی

نگاهی به دو نوار تازه

کیارش علیزاده



۱. نوار کاست «افسانه» با صدای علیرضا افتخاری، دربرگیرنده هشت ترانه است از ساخته‌های علی جعفریان و با تنظیم علی رحیمیان. شعر ترانه‌ها از بیژن ترقی، مشفق کاشانی و فریدون مشیری است. مجموعه یاد شده از نظر شعر، آهنگ و لحن خواننده، با یکدیگر سنخیت بسیار دارند و این شاید موردپسند خاطر بسیاری از مخاطبین قرار گیرد، اما حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد. از نظر محتوای شعری، کلی‌گو و انتزاعی است با واژه‌هایی که چندان کاربرد امروزی ندارند. از لحاظ موسیقایی، فاقد ذهنیت یک آهنگساز

معاصر و پویاست؛ جمله‌هایی که با پس و پیش کردن وحذف و اضافات و... کار یک حرفه‌ای کهنه‌کار را نشان می‌دهد و نه یک ذهن جست‌وجوگر که به خواهرش و کشش درونی خود پاسخ می‌دهد. از جهت صدا، لحن گرم و پرحس و حال علیرضا افتخاری، در انتقالی که از رمانتیکسمی کهنه و پر از سوز و گداز، حکایت دارد، غوطه می‌خورد؛ صدایی که آثاری خوب و ارزشمند را تاکنون از او شاهد بوده‌ایم. به قول راوی: «وقتی که شما مثل قدما می‌بینید و برخلاف آنچه در خارج قرار دارد، می‌آفرینید، آفرینش شما به کلی زندگی و طبیعت را فراموش کرده است.»

۲. نوار کاست «گیله‌لو»؛ با عکس زیبایی از نمای آخر فیلم زیر درختان زیتون، ساخته عباس کیارستمی، اخیراً به بازار عرضه شده است. این نوار، مجموعه‌ای است از نغمه‌های «گیله‌لو» و «دیلیم»، دو منطقه جلگه‌ای و کوهستانی سرزمین گیلان که توسط حسین حمیدی، گردآوری و تنظیم شده و فریدون پوررضا، خواننده قدیمی و خوش قریحه

اجرای مقدمه گوسن دوخوان (آهنگی که با آن رمه پراکنده در چراگاه را فرامی‌خوانند)، با نی چوپان (الله) توسط حسین علی امین چورتی، مهارت و زیبایی را توأم کرده و تداعی‌کننده اجرای همین قطعه توسط ابوالحسن صباست (صبا، گوسفند دوخوان را با ویولن نواخته است) همچنین قطعه «نرایخور» با ایجاد صداهای طبیعی (صدای حرکت گله، چوپانها و دیگر عناصر مربوط، کاملاً القاکننده فضای مورد نظر است و با تنظیم سنجیده‌ای از ترکیب سازها (سازهای محلی و سنتی)، آواهای موجود در گوسفند سرازهای گالشها را به خوبی منتقل می‌کند. همراه نی چوپانی «الله» در قطعه «گیله‌لو» تک خوانی پوررضا، با جانمایانه‌ای از رنگ و بویی محلی و تنیده شده در شعری زیبا را می‌شنویم و در نهایت، نوار «گیله‌لو» ترنم‌های مردم گیلان است در ارتباط با طبیعت، رویش گیاه، کوچ، وصل و هجران و برخاسته از حسی که در جلگه و کوهستان آن سرزمین جاری است. □

یادواره تاج اصفهانی و مهدی خالدي

□ مهدی خالدي در سال ۱۳۶۴.

□ جلال تاج اصفهانی در سال ۱۳۴۷.



با «تار» جلیل شهناز و «نی» حسن کسایی است. معروف‌ترین آثار تاج اصفهانی عبارتند از: «رنگهای طبیعت» در مایه افشاری و با آهنگ عبدالحسین برازنده و شعر شیدای چالستری، آواز همایون (چکاوک و بیداد) به همراه مرتضی محجوبی، حسین یاحقی و ارسلان گاهی، ترانه اصفهان (به اصفهان رو) و...

■ نهم آذرماه، مصادف است با سالروز مرگ مهدی خالدي، آهنگساز و نوازنده برجسته ویولن مهدی خالدي (۱۳۶۹ - ۱۳۹۸)، شاگرد ابوالحسن صبا و برخاسته از مکتب نوازندگی اوست. خالدي از خانواده‌ای اهل موسیقی بود. او در سالهای دهه سی، مدتی سرپرستی موسیقی را در رادیو تهران برعهده داشت که با تشکیل هفت گروه موسیقی با آهنگساز و خواننده‌ای جداگانه، به اجرای برنامه می‌پرداختند. مهدی خالدي همچنین با برنامه‌های «گلپای جاویدان» و «گلپای تازه» همکاری داشت. ترانه‌های ساخته شده توسط او در مجموع به دویست و پنجاه آهنگ می‌رسد که توسط خوانندگان معروفی چون: بنان، دلکش، بدیع زاده و... اجرا شده است. از جمله این ترانه‌ها از «آمد نویهار» با شعر نواب صفا، «به کنارم بنشین» با کلام رهی مغیری در دستگاه همایون، «مرگ صبا» در سه‌گاه، «یار من بودی» با شعری از پژمان بختیاری و «چون زلف توام جانا» با سروده‌ای از رهی معیری و... می‌توان نام برد. □

■ هفت آذرماه، سالروز درگذشت سیدجلال تاج اصفهانی، خواننده آواز در موسیقی سنتی ایرانی است. مکتب‌های آوازی موسیقی سنتی را براساس تفاوت در اجرا، سه گونه برشمرده‌اند: مکتب اصفهان، مکتب تبریز و مکتب تهران. به طور کلی، تفاوت شیوه‌های آوازی در مکتب‌های یاد شده، از این عوامل ناشی می‌شود: «کشش آواز، شعر و بیان شعری، تحریر و ادوات و تلفیق تحریر با موسیقی و تلفیق شعر با موسیقی». که شرح چگونگی‌های هر یک از این عوامل چهارگانه و تفاوت‌هایشان در مکتب‌های آوازی، فرصتی دیگر می‌طلبد.

■ تاج اصفهانی (۱۳۶۰ - ۱۳۸۲) از برجسته‌ترین نمایندگان مکتب آوازی اصفهان به‌شمار می‌رود. او شاگرد مستقیم سیدعبدالرحیم اصفهانی، خواننده، ردیف دان و پیشکسوت آواز بود. «سیدرحیم معتقد بود که باید شعر را به صورت کامل و بدون هیچ‌گونه تکه‌تکه شدن به شنونده تحویل داد و سپس تحریر مناسب را اجرا کرد». و این چیزی است که در اجرای آواز «تاج» کاملاً قابل لمس است، «تاج» بعدها بر اثر ممارست در کار و آگاهی و تعمق در ردیف به شیوه خاص خود دست یافت و از سبک آوازی ویژه متمایز گردید.

■ تاج اصفهانی با همراهی بزرگانی چون: ابوالحسن صبا، مرتضی محجوبی، ارسلان درگاهی، علی‌اکبر شهنازی، و... آواز خوانده است. اما بیشترین آثار ضبط شده و برجای مانده از او، همراه